



ذره‌بین

جنگ افغانستان و حقوق بشری

که دیده نمی‌شود

🕒 وقتی صحبت از هزینه‌های انسانی جنگ افغانستان به میان می‌آید، معمولاً آمار مربوط به نظامیان ناتو در افغانستان برجسته می‌شود؛ مثلاً در مجموع ۴۵۳ پرسنل نوریج ساوت انگلیسی بین سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ کشته و ۲۶۰۰ نفر دیگر زخمی شدند که ۲۴۷ نفر از آنها دچار قطع عضو شدند. تعداد سربازانی که دچار صدمات روانی شده‌اند نیز مشخص نیست و احتمالاً همچنان نامشخص باقی خواهد ماند. با این حال، به گفته نویسنده معروفی به نام فرانک لدویج، این افراد در حالی کشته یا مجروح شده‌اند که حتی یک عامل القاعده یا تروریست بین‌المللی که ممکن بود انگلیس را تهدید کنند، در این مدت به دست نیروهای ناتو کشته نشده‌اند.

در بحث‌هایی که در روزهای اخیر در پارلمان انگلیس در مورد افغانستان مطرح شد بسیاری نمایندگان به مرگ نیروهای انگلیس در این جنگ اشاره کردند. اما به‌ندرت اشاره‌ای به هزینه انسانی مردم افغانستان شد. لدویج تخمین می‌زند نیروهای بریتانیایی به تنهایی مسؤول مرگ حداقل ۵۰۰ غیرنظامی افغان و زخمی شدن هزاران نفر دیگر بوده‌اند و به طور کلی، تصور می‌شود یک سوم کشته‌شدگان در جنگ افغانستان، غیرنظامی بودند.

بسیاری از نمایندگان پارلمان انگلیس در روزهای اخیر نسبت به نقض حقوق بشر در افغانستان پس از روی کار آمدن طالبان هشدار می‌دهند اما سوال اینجاست این نگرانی‌ها در مورد حقوق بشر در دو دهه گذشته کجا بود؟ آیا مردمی که در حملات ۲۰ساله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در افغانستان جان خود را از دست دادند و ۹۰درصد آنها را غیرنظامیان بی‌گناه تشکیل می‌دادند، حقوق بشر نداشتند؟ آیا این مسائل تناقضی با حقوق بشر ندارد؟

با گوش دادن به مباحثات نمایندگان پارلمان انگلیس، جمله‌ای از ادوارد سعید پس از استعمار در ذهن‌ها زنده می‌شود که گفت: هر امپراتوری، به خود و جهان می‌گوید شبیه سایر امپراتوری‌های دیگر نیست و به دنبال آموزش است نه غارت و کنترل. این توهم که ادوارد سعید به‌درستی به آن اشاره کرده است زمانی روشن‌تر می‌شود که در نظر بگیرید چه مقدار پول از آنچه جنگ علیه تروریسم خوانده می‌شود، به دست آمده است و البته جنگ در افغانستان، بخش مهمی از این پروژه بوده است. بسیاری از افرادی که این جنگ را دنبال می‌کردند ارتباط مستقیمی با شرکت‌هایی داشتند که سود بسیار چشمگیری از جنگ داشتند. جنگ افغانستان برای بریتانیا ۴۰میلیارد پوند هزینه داشته است که در مقایسه با مبلغ ۲/۲۶ تریلیون دلار دولت ایالات متحده، رقم بسیار کمی است.

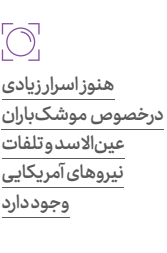
این مبالغ هنگفت -که از مالیات مردم کشورهای دخیل جنگ تامین شده- به شرکت‌های اسلحه‌سازی فراملیتی مانند بوئینگ، ریتون، لاکهید مارتین، نورثروپ گرومن و جنرال داینامیکس پرداخت شد. تاریخ سیاست خارجی بریتانیا و ایالات متحده، ملو از نمونه‌های بارزتری است که نشان می‌دهد چگونه برخی شرکت‌ها برای منافع بیشتر خود دست به لابی برای وقوع مداخله مسلحانه در سایر کشورها زده‌اند؛ از لابی یونایتد فروت در دولت آمریکا برای سرنگونی دولت گواتمالا در سال ۱۹۵۴ گرفته تا اقدامات شرکت نفت ایران و انگلیس (که اکنون بریتیش پترولئوم BP خوانده می‌شود) که برای منافع خود، دولت انگلیس را تحت فشار قرار داد و این اتفاق در نهایت به سرنگونی اولین دولت منتخب دموکراتیک در ایران منجر شد. یک نگاه گذرا به تاریخ، بسیاری از موارد دیگر را نیز آشکار می‌کند.

جنگ در افغانستان تلاشی بود برای احیای ایده قرن نوزدهم بریتانیای جهانی. این بخشی از رویکردی در امور بین‌الملل بود - که ظاهراً هنوز به طور گسترده در پارلمان انگلیس رایج است - و هیچ کمکی به قرن ۲۱ نمی‌کند. برای گذر از دوران آشفته آینده، رهبران جهانی و همچنین رهبران انگلیس به ویژگی‌هایی نیاز دارند که اغلب فاقد آن هستند؛ صبر، صداقت تمایل به ایجاد ائتلاف‌های بلندمدت.

منبع: گاردین



هوزاسرارزبادی درخصوص موشک باران عین‌الاسدوتلفات نیروهای آمریکایی وجود دارد



عکس: یورونیوز

فرمان تشکیل دولت لبنان امضا شد

پس از دیدار نجیب میقاتی، مأمور تشکیل کابینه لبنان با میشل عون، رئیس جمهور و نبیه بری، رئیس پارلمان این کشور، ریاست جمهوری لبنان، رسماً اعلام کرد فرمان تشکیل دولت جدید این کشور امضا شده است. نخست‌وزیر جدید لبنان پس از تشکیل کابینه جدید این کشور سخنرانی کرد و گفت: همه از وضعیت بد لبنان با خبر هستند. لبنان در وضعیت خوبی نیست و دارو وجود ندارد. /اسکای نیوز



اعتراف سخنگوی سابق پنتاگون در خصوص غیرواقعی بودن ادعاهای ترامپ در خصوص تلفات آمریکایی‌ها در عین‌الاسد، بازتاب گسترده‌ای داشته است

رازهای مگوی عین‌الاسد

🕒 این‌روزه‌انام عین‌الاسد دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است. اگرچه حدود یک سال و نیم از شهادت سردار

مقاومت شهید سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس و متعاقباً، موشکیاران عین‌الاسد توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپری می‌شود اما گذشت زمان ابعاد گسترده‌تری از این واقعه را به رخ طرفداران بایکوت خبری و سانسور در سازمان‌های امنیتی و نظامی آمریکا می‌کشدان. به گفته یک سخنگوی دفاعی پیشین ایالات متحده، کاخ سفید از پنتاگون خواسته بود گزارش صدمات مغزی نظامیان آمریکایی در جریان حمله موشکی سال گذشته ایران به پایگاه عین‌الاسد در عراق را کم اهمیت جلوه دهد و اطلاع‌رسانی درباره آن را به تأخیر بیندازد. به گزارش یورونیوز، الیسا فرح که در مقطعی به عنوان سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ مشغول به فعالیت بود با اعلام این موضوع یادآور شد وی سعی داشته فشارها را پس برند و این‌که پس از حمله موشکی ایران به پایگاه نظامیان کشورش در عراق، لحظات بسیار دشواری را سپری کرده است.

🕒 وقتی ترامپ رسوای‌شود

به گفته وی، این فشارها پس از آن از سوی کاخ‌سفید آغاز شد که ترامپ ادعا کرد حملات یادشده هیچ تلفاتی نداشته و بعد به سرردهای جزئی اشاره کرده و گفت صدمات خیلی جدی نبوده است. این ادعا در حالی مطرح شده بود که طبق گزارش‌های بعدی، حملات تلافی‌جویانه موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد پنج روز پس از شهادت شهید سردار حاج‌قاسم سلیمانی، فرمانده سابق سپاه قدس ایران سبب وارد آمدن آسیب‌های مغزی به بیش از ۱۰۰سرباز آمریکایی شد. این حملات باامداد روز هشتم ژانویه سال ۲۰۲۰ توسط یگان‌های موشکی سپاه پاسداران ایران صورت گرفت و علاوه بر پایگاه عین‌الاسد در استان انبار، یک پایگاه دیگر نیروهای آمریکایی در اربیل را نیز هدف قرار داد. فرماندهان ایران ساعاتی پس از این حملات تأکید کردند ده‌ها آمریکایی کشته شده‌اند اما کاخ‌سفید و وزارت

دفاع آمریکا با رد این ادعا تأکید کردند حتی یک سرباز ارتش ایالات متحده نیز در این حملات آسیب ندیده‌است. یادآور شد وی سعی داشته فشارها را پس برند و این‌که پس از حمله موشکی ایران به پایگاه نظامیان کشورش در عراق، لحظات بسیار دشواری را سپری کرده است.

🕒 سانسور شکست در پنتاگون

الیسا فرح که پس از مدتی برای انجام ماموریت به کاخ‌سفید منتقل شد، در

حصارکشی دوباره در کنگره آمریکا

طرفداران ترامپ قصد دارند هفته آینده در حمایت از حدود ۶۰۰ نفری که در حمله سال گذشته به ساختمان کنگره محکومیت دریافت کرده‌اند، دست به تظاهرات بزنند. از این رو با گذشت دو ماه از برداشته شدن حصارهای اطراف ساختمان کنگره قرار است بار دیگر حصارهای بلندی اطراف آن نصب شود. از سوی دیگر، پلیس کنگره در بیانیه‌ای اعلام کرد مواضع مستحکم امنیتی را برای مقابله با درگیری احتمالی در برنامه‌اش گنجانده است. /رویترز

از پنتاگون خواسته بود آمار مصدومان را به شکل دیگری گزارش کنیم یا آن‌را به تأخیر بیندازیم، هر ۱۰روز یا دو هفته یک‌بار درباره آن اطلاع‌رسانی یا یک جمع‌بندی کلی از این ماجرا ارائه کنیم. به گفته خانم فرح، هدف کاخ‌سفید این بود که اطلاع‌رسانی درباره تعداد مصدومان و نوع مصدومیت آنها مرتب به‌روزرسانی نشود. پنتاگون یک ماه پس از این حملات شمار سربازان آمریکایی را که متحمل صدمات مغزی شده بودند ۱۰۹ نفر اعلام کرد. همچنین پنتاگون در خصوص سرنوشت برخی از نیروهایی که از وضعیت بغرنجی (پس از مصدومیت مغزی) به سر می‌بردند و سرنوشت آنها، اطلاعیه‌ای منتشر نکرد.

🕒 سکوت پنتاگون

بر اساس گزارش شبکه یورونیوز، سخنگوی سابق وزارت دفاع آمریکا در پایان با تأکید بر این‌که تلاش داشت تسلیم قشارها نشود، یادآوری می‌کند: بر اساس تجربه شخصی به این نتیجه رسیدم که در این زمینه شفافیت همیشه بهترین دوست است. کاخ سفید یا مسوولان فعلی یا سابق پنتاگون تاکنون به این ادعای کارمند سابق خود واکنشی نشان نداده‌اند. در هر حال، صورت مساله اکنون نسبت به قبل شفاف‌تر شده است. در این میان، وزارت دفاع آمریکا کامکان

ترجیح می‌دهد در خصوص ناگفته‌های عین‌الاسد و تلفات واقعی نیروهای خود در

این پایگاه سکوت کند.

طی یک سال و نیم اخیر، روایات و خاطرات مستقیمی که از ماجرای موشکیاران به عین‌الاسد و از سوی نیروهای آمریکایی حاضر در این پایگاه منتشر می‌شود، نشان دهنده عقق فاجعه‌ای است که پنتاگون و کاخ‌سفید (چه در دوران ترامپ و چه در دوران بایدن) تمایلی در خصوص افشای آن ندارند. حتی سخنان سخنگوی سابق پنتاگون نیز نمی‌تواند بیانگر واقعیات کامل در خصوص موشکیاران عین‌الاسد باشد. برخی منابع غیررسمی در ارتش آمریکا معتقدند تعداد تلفات نیروهای مستقر در عین‌الاسد، به مراتب بالاتر از تعداد اعلام شده توسط پنتاگون بوده و حتی برخی نیروها نیز در این موشکیاران به هلاکت رسیده‌اند.

🕒 روایت آکن جانسون از موشک‌های ۱۰۰۰پوندی

آکن جانسون، یکی از فرماندهان ارتش آمریکا که در شب حمله در پایگاه عین‌الاسد حضور داشت، اخیراً در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌بی‌اس گفته است: هنگام حمله، در سنگری که برای مقابله کلاهک‌هایی تنها

شکست‌خورده نوشته بود، اما متأسفانه او از درس‌های تاریخ هیچ چیزی نیاموخت و فردی بی‌ادب، بی‌حوصله و متکبر بود. او با همین روحیات، رهبران قبایل را کتار زد و همان‌طور که دیدیم درنهایت هیچ‌کس حاضر نشد برای باقی ماندن غنی در قدرت، جان خود را به خطر بیندازد.

🕒 آینده مبهم افغانستان

افغانستان در ۲۰سال گذشته، فراتر از هرگونه شناختی تغییر کرده است. شهرها رشد کرده‌اند، مردم بیشتر سفر می‌کنند، هزاران زن تحصیل کرده‌اند و ذهن‌های زیادی بازشده است. در چنین شرایطی نمی‌توان سرنوشت دولت آینده افغانستان را پیش‌بینی کرد.

حقیقت این است‌که در هزاره‌های گذشته، فقط مقاطع بسیار کوتاهی بوده که یک کنترل مرکزی قوی در افغانستان وجود داشته و قبایل مختلف افغانستان به اقتدار یک حاکم واحد، اعتراف کرده‌اند. در حال حاضر نیز امید کمی به استقرار یک سیستم سیاسی واحد وجود دارد. افغانستان همواره شامل قبیله‌های رقیب بوده که فقط مطابق شرایط خود تسلیم قدرت شده‌اند. پاداش‌های مالی در مقاطعی توانسته همکاری برخی قبیله‌ها را جلب کند اما این‌گونه اقدامات به‌ندرت وفاداری را تضمین می‌کند. به‌قول معروف در افغانستان، پشت هر تپه‌ای یک امپراتور نشسته است. در چنین کشوری، دولت هرگز انحصار قدرت را نداشته است و براساس ضرب‌المثلی دیگر، یک پادشاه افغان روی تپه‌ای از مورچه خوابیده است.

هرچه هست این‌که چهارمین جنگ انگلیس در افغانستان مانند جنگ اول، با شکست و حقرات به پایان رسیده است. سخنان کشیش گلیگ، اولین مورخ جنگ اول افغانستان به طرز غم‌انگیزی در سال ۲۰۲۱ نیز صدق می‌کند؛ با این جنگ هیچ منفعت سیاسی یا نظامی به دست نیامد و تخلیه نهایی نیروهای ما از افغانستان شبیه عقب‌نشینی یک ارتش شکست‌خورده بود.

منبع: unherd.com